

بررسی عنصر احتیاط در فقه

دوره‌های پیش و پس از اندیشه اخباری*

حسنعلی علی اکبریان** رسول نادری***

چکیده

اندیشه اخباری در قرن یازدهم شکل گرفت و بر حوزه‌های شیعی، تأثیرات مختلفی نهاد. این مقاله در صدد بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره پیش از شکل‌گیری اندیشه اخباری و مقایسه آن با دوره پس از افول این جریان است. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این مقاله، این است که چه تشابه‌ها و تمایزهایی در فقه این دو دوره، نسبت به مسأله احتیاط وجود دارد؟ در پی پاسخ به این مسأله، این سؤال طرح می‌شود که آیا اندیشه اخباری در این تمایزها نقش داشته است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در کنار نگاه‌های مشترک، تفاوت‌هایی در نوع نگاه به این عنصر، در دو دوره یادشده وجود دارد و پس از اخباری‌ها احتیاط در فتوا به صورت کاملاً چشم‌گیری افزایش یافته است. با توجه به وجود اندیشه اخباری در میان این دو دوره، می‌توان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز در ترویج روحیه احتیاط‌گرایی را وجود اندیشه یادشده دانست.

کلیدواژه‌ها

احتیاط، اندیشه اخباری، فقه امامیه، روحیه احتیاط‌گرایی.

* تاریخ دریافت ۱/۵/۹۲؛ تاریخ پذیرش ۴/۷/۹۲.

** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

*** محقق پژوهشگاه فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول).

پیش‌گفتار

این مقاله در صدد بررسی عنصر احتیاط در فقه دو دوره پیش از شکل‌گیری اندیشه اخباری و مقایسه آن با دوره پس از افول این جریان است. سؤال اصلی، این است که چه تشابه‌ها و تمایزهایی در فقه این دو دوره در مسأله احتیاط وجود دارد؟ پاسخ به این مسأله، این سؤال را در پی دارد که آیا اندیشه اخباری در این تمایزها نقش داشته است یا خیر؟ به رغم نگاه‌های مشترک، به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی در نوع نگاه به این عنصر، در دو دوره مذکور وجود دارد و پس از اخباری‌ها، احتیاط در فتوا و عمل، کاملاً چشم‌گیر بوده است. با توجه به وجود اندیشه اخباری در میان این دو دوره، می‌توان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز در ترویج روحیه احتیاط‌گرایی را وجود این اندیشه دانست. توجه ویژه اخباری‌ها به روایات بحث احتیاط، بسط دامنه احتیاط به شک در تکلیف در شبهات تحریمیه، بر خلاف نظر اصولی‌های پیش و پس از اخباری‌ها و نیز توصیه‌های مکرر آنان به توقف و احتیاط در فتوا، می‌تواند این ادعا را تقویت کند. به عبارت دیگر، با بررسی آثار احتیاط در فقه دوره‌های پیش از اخباری‌ها و پس از افول آنان، به وجود ریشه و دلیلی در ورای این آثار پی می‌بریم که در حقیقت انعکاس آن دلیل، باعث بروز تفاوت‌هایی در فضای حاکم بر فقه دو دوره مذکور شده است. به یقین، در صورت وجود تمایز در این دو دوره، نمی‌توان نقش اخباری‌ها را که واسطه میان این دو دوره بوده‌اند، به عنوان یک عامل معرفتی، دست‌کم در حد زمینه‌سازی، در رویکرد به احتیاط نادیده گرفت یا حتی ناچیز دانست؛ بلکه باید به آن توجه ویژه داشت. در این مقاله، رویکرد به احتیاط در فقه پیش از اخباری‌ها و نگاه بزرگان اندیشه اخباری و رویکرد به احتیاط در فقه پس از اخباری‌ها، به شیوه توصیفی بیان شده است. با توجه به آنچه بیان شد، لازم است در آغاز معنای لغوی و اصطلاحی احتیاط و ویژگی‌های آن را در فقه و در اندیشه اخباری بیان کنیم تا بتوان در ادامه، عنصر احتیاط را در دو دوره پیش و پس از اندیشه اخباری، به صورت توصیفی، بررسی کرد و موارد مشترک و متمایز این عنصر در آن دو دوره را بیان نمود.

۱- بررسی عنصر احتیاط و ویژگی‌های آن در فقه و اندیشه اخباری

برای روشن‌تر شدن ابعاد بحث احتیاط، ابتدا بجا است معنای لغوی آن بررسی شود و سپس معنای اصطلاحی و اقسام آن در فقه و در اندیشه اخباری، تبیین گردد.

۱-۱- معنای لغوی احتیاط

احتیاط از باب افتعال از ماده «حوط» است. در کتاب‌های لغت، در یک جمع بندی کلی، حوط به معنای «محافظة و نگهداری» (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۱۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۹۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۴۶۱)، «در برداشتن» (ابن فارس، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۳۲۷)، «دفع مضرات و دستیابی به مصالح» (ابن اثیر، پیشین؛ ابن منظور، پیشین؛ و فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷)، و «انتخاب مطمئن‌ترین راه» (ابن منظور، پیشین؛ و فیومی، پیشین) آمده است. البته شاید بتوان اصل معنا را همان در برداشتن دانست؛ لازمه این که چیزی، چیز دیگر را در بر گیرد، حفظ آن شیء احاطه شده است و لازمه حفظ، دستیابی به منافع و دفع مضرات است. پس با این بیان، سه معنای اصلی یادشده، به یک معنا برمی‌گردد. البته معنای «الأخذ بالأوثق» معنای دیگری است که به نظر می‌رسد در کتاب‌های متأخر لغوی مانند «لسان العرب» و بعد از آن آمده است. با انتخاب مطمئن‌ترین راه، می‌توان به نهایت محافظت و نگهداری دست یافت. پس می‌توان گفت این معنا با یک واسطه، به معنای اصلی این ماده مرتبط می‌شود. در یک جمع بندی، با توجه به این که یکی از دلالت‌های باب افتعال، مبالغه است، می‌توان احتیاط را در لغت «احاطه بر همه جوانب و نهایت محافظت» معنا نمود.

۱-۲- معنای اصطلاحی احتیاط

نزد فقها و اصولی‌ها «احتیاط» به سه معنای کلی به کار رفته است:

۱- دلیل فقهاتی؛ در کتاب‌های فقهی پاره‌ای از احتیاطها به روایات خاص، مستند هستند که در برخی ابواب فقهی جریان دارد. البته در مصادیق این مسأله اختلافاتی وجود دارد، ولی در بسیاری از کتاب‌ها احتیاط در دماء و فروج به دلیل وجود روایات دال بر لزوم احتیاط^۱ در این دو مسأله، پذیرفته شده است.^۲ در این موارد در حالت شک، استنباط برخی فقها و جوب احتیاط به صورت مطلق است؛ چه مقرون به علم اجمالی باشد و چه غیر مقرون، و چه شبهه و جویبه باشد و چه تحریمیه.^۳

۲- دلیل اجتهادی؛ احتیاط در این معنا، یک اصل عملی است که وظیفه عملی مکلف را هنگام شک تعیین می‌کند و باعث می‌شود مکلف با واقع احتمالی، مخالفت نکند و در نتیجه، از عقاب ایمن باشد. البته این اصل با عنوان «اصالة الاشتغال» نیز بسیار به کار می‌رود. این معنای احتیاط، در بسیاری از متون فقهی و اصولی وجود دارد.^۴ در مجموع، آنچه از کتاب‌های فقهی و اصولی به دست می‌آید، این است که احتیاط به معنای اصل

عملی، دارای ویژگی‌ها و مختصات است که با آن‌ها شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان به این شکل برشمرد: وجود تکلیف فعلی احتمالی؛ شک در احراز تکلیف فعلی احتمالی؛ عدم وجود دلیل قطعی بر خلاف احتیاط؛ کاشفیت احتیاط از انجام وظیفه مکلف در برابر مولا و شارع و به عبارت دیگر، قطع به جلب مصلحت و ثواب یا دفع مفسده و عقاب با انجام احتیاط.

اصل عملی بودن در این جا یعنی احتیاط، کاشفیت از واقع ندارد، بلکه تنها وظیفه عملی مکلف را در حالت شک تعیین می‌کند؛ در این صورت مکلف با احتیاط، به امثال حکم واقعی مشکوک، قطع می‌یابد؛ هرچند به آن حکم به صورت تفصیلی، از روی وجدان (قطع) یا تعبد (دلیل ظنی معتبر) آگاهی نیابد. طبق این بیان، به نظر می‌رسد کسانی که احتیاط را از امارات شمرده‌اند و آن را کاشف از واقع دانسته‌اند، راه به صواب نبرده‌اند.^۵ یکی از نکاتی که در کتاب‌های فقهی و اصولی وجود دارد، تقسیم احتیاط به لازم و نیکو (غیر لازم) است و عناصر یادشده، در هر دو نوع احتیاط است. یعنی با وجود این عناصر و مؤلفه‌ها، احتیاط امری نیکو خواهد بود، اما لزوم احتیاط نزد فقها و اصولی‌ها علاوه بر موارد مذکور، نیازمند عناصر دیگری نیز هست: پس از فحص و جستجوی کامل از دلیل باشد (در شبهات حکمیه و شبهات موضوعیه بنا بر برخی اقوال)، دلیل ظنی معتبر خلاف احتیاط نباشد، علم به وجوب یا حرمت و شک در نوع تکلیف باشد و اگر «مکلف به» مرد بین افراد مختلف باشد، آن اطراف، غیر محصور نباشد. البته شاید با تأمل بیش‌تر بتوان عناصر دیگری نیز بر موارد پیش گفته افزود که البته مانند مورد آخر، به همه موارد احتیاط و جویی مربوط نیست، بلکه بخشی از احتیاطهای جویی را در بر می‌گیرد. پس بر اساس این عناصر در موارد شک در تکلیف، احتیاط لزوم ندارد. ذکر این نکته لازم است که پس از شیخ انصاری و با ابتکار وی، این ویژگی‌ها به تفصیل وارد دانش اصول و فقه شده است و در دوره‌های پیش از شیخ، به این صورت منقح نبوده است؛ هرچند اصل احتیاط استفاده می‌شده است. فقها و اصولیان برای حسن احتیاط، محدودیت‌هایی قائل شده‌اند؛ از جمله این که: باعث اختلال نظام نشود (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۸؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۶۳ و ۶۵؛ مشکینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۱۶؛ و حائری یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۷)؛ باعث عسر و حرج و ضرر شدید نشود (وحید بهبانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۶؛ انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۵؛ خویی، ج ۱، ص ۶۳ و ۶۵؛ خمینی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۲۲۲)؛ با احتیاط در جهت دیگری مخالف نباشد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۸۸)؛ باعث محروم شدن

مكلف از عبادت و لذت طاعت نشود (وحید بهبهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۸۶)؛ و باعث به سخره گرفته شدن امر مولا نشود (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۵۰۸). بسیاری از این موارد را می‌توان از مصادیق یکی از عناصر احتیاط یعنی عدم وجود دلیل قطعی بر خلاف احتیاط، به شمار آورد. بنابراین اگر این عنوان کلی به جز موارد یادشده، مصادیق دیگری هم داشته باشد، باز مانع حسن احتیاط خواهد شد.

۳- احتیاط در عمل فقیه؛ گاهی فقیه در بیان نتیجه نهایی استنباط، احتیاط می‌نماید. این نوع احتیاط، در نظر و استدلال نیست؛ بلکه در مقام عمل و فتواست. در واقع فقیه در این حالت، از دادن فتوا پرهیز می‌کند. این نوع احتیاط، به معنای لغوی آن بسیار نزدیک است و در حقیقت فقیه برای این که نسبت به اوامر شارع، نهایت تحفظ را داشته باشد و مصالح احکام را از دست ندهد و از مفسدات آن‌ها دوری نماید، چنین احتیاطی را در مقام افتا اعمال می‌کند. این نوع احتیاط را می‌توان «روحیه احتیاطگرایی» نامید. تفاوت معنای دوم و سوم احتیاط، در چند مسأله روشن می‌شود:

الف) در صورت وجود شرایط و عناصر اصل احتیاط لازم، فقیه به احتیاط فتوا می‌دهد و در صورت وجود عناصر کلی احتیاط، فقیه ابتدا بر اساس ادله فتوا می‌دهد و پس از آن، حکم احتیاطی را بیان می‌کند. این نوع، همان احتیاط مستحب مصطلح است. در هیچ کدام از دو صورت مذکور، مقلد نمی‌تواند به فقیه دیگر رجوع کند؛ اما در معنای سوم احتیاط، فقیه فتوا نمی‌دهد بلکه در بیان حکم مسأله، احتیاط می‌کند و طبق آنچه در نظرش به تحفظ اوامر شارع نزدیک تر است، حکم می‌نماید. به این احتیاط، «احتیاط مطلق» نیز می‌گویند. پس بر اساس معنای دوم، مقلد حق رجوع به فقیه دیگر را ندارد؛ بر خلاف معنای سوم که بر طبق آن، مقلد می‌تواند یا به حکم مرجع تقلید خود عمل نماید یا به مجتهد اعلم بعدی رجوع کند. برخی فقها و اصولیان به این نکته اشاره نموده‌اند. یکی از این فقها آخوند خراسانی است. او در حاشیه‌اش بر کلام صاحب جواهر در احتیاطهای واجب که رجوع به سایر مجتهدان زنده را با رعایت ترتیب اعلمیت جایز دانسته، می‌نویسد: «بلکه رجوع به غیر در آن‌ها نکند، مگر در صورتی که مسبوق به تأمل و اشکال باشد.» (نجفی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱). از ظاهر این کلام به دست می‌آید که او رجوع در هر نوع احتیاطی را جایز نمی‌داند؛ بلکه تنها در مواردی که ادله برای مجتهد محل تأمل و اشکال باشد، رجوع مقلد را به غیر، جایز می‌داند. موارد دیگری نیز در این باره وجود دارد.^۶

ب) منشأ احتیاط به معنای دوم، یک بحث اصولی است که به دلیل به نتیجه نرسیدن

مجتهد در ادله و امارات، به اصل عملی احتیاط، عمل می‌کند و طبق آن فتوا می‌دهد. اما منشأ معنای سوم، تورع و تقوا است؛ یعنی مجتهد هر چند خود دارای مبنا یا فهم خاصی از یک روایت در یک مسأله است، اما از آن‌جا که آن مبنا یا آن استظهار مثلاً بر خلاف مشهور فقهاست، احتمال می‌دهد که این مبنا یا برداشت صحیح نباشد، پس این‌جا محل شبهه است. در نگاه مجتهد، تقوا و ورع اقتضا می‌کند که به این احتمال، توجه ویژه نماید و نظر خود را در قالب احتیاط بیان نماید تا مقلد در انتخاب فتوای او یا رجوع به غیر، مخیر باشد. در حقیقت مجتهد با این عمل می‌خواهد احتمال عمل به خلاف مصلحت واقعی را به حداقل برساند. مرحوم نائینی ملاک دوری از شبهات را چنین بیان می‌کند: «التحرز عن الشبهات بملاک آخر و هو کون الإحتیاط موجِباً للتقوی الموجبة لکمال النفس.» (نائینی، ۱۳۵۲ ش، ج ۲، ص ۲۰۲).

ج) مجتهد زمانی اصل احتیاط را جاری می‌کند که نتواند از امارات و ادله به دلیل فقدان یا اجمال نص یا تعارض نصوص، حکم مسأله را استنباط کند؛ اما احتیاط به معنای سوم در مواردی است که مجتهد به ادله مسأله به اندازه کافی مراجعه نکرده و از او استفتاء شده است (یزدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۴؛ صدر، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۵۳؛ و استادی، ۱۳۷۰ ش، ص ۳۶)؛ یا نظر خود را مخالف مشهور می‌یابد (قمی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ و حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۴۰۲)؛ یا از امارات و اصول عملیه به قرار کافی نرسیده و حجت شرعی از آن‌ها برای او احراز نشده است (نجفی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱؛ حکیم، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۲۹۹ و ص ۳۰۰؛ حسینی شیرازی، پیشین؛ و استادی، پیشین)؛ یا در موضوعات عرفی، شک در تشخیص موضوع وجود دارد (حربی، ۲۰۰۷ م، ص ۷۵ و ص ۷۶)؛ و

د) تفاوت‌های قبلی میان اصل احتیاط لازم و مستحسن با احتیاط در فتوا مشترک بود، اما باید توجه داشت که موارد مهم در اصل احتیاط، موارد لزوم آن است. تفاوت مهم اصل احتیاط لازم با احتیاط در فتوا، در این است که وقتی می‌توان به لزوم اصل احتیاط در مسأله‌ای حکم داد که آن مسأله با علم اجمالی همراه باشد؛ اما احتیاط در فتوا با توجه به مواردی که در تفاوت قبلی بیان شد، بر علم اجمالی، متوقف نیست و هر جا فقیه در مستند فتوای خود تردید داشته باشد و بیان فتوا در نظر وی مخالف ورع و تقوا باشد، در صدور فتوا احتیاط می‌کند (حکیم، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۳۰۰).

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که احتیاط در کلام فقها، سه معنا دارد. احتیاط در معنای اول، به دلیل خاص مستند است و به نوع اجتهاد و استنباط فقیه از دلیل مربوط می‌شود. در طول تاریخ فقه، ادله خاص در مسائل فقهی برداشت‌های اجتهادی مختلف

فقیهان را در پی داشته است و چه بسا فقهای یک دوره نیز استنباطهای متفاوتی از آن داشته باشند. بنابراین در این تحقیق این معنای احتیاط محل بحث نیست و آنچه در این مقاله در دو دوره پیش و پس از اخباری‌ها بررسی می‌شود، عنصر احتیاط به معنای دوم و سوم است.

۳-۱- احتیاط در اندیشه اخباری

آنچه از عبارات محدث استرآبادی در کتاب «الفوائد المدنیة» به دست می‌آید، این است که او درباره احتیاط وارد بحث تحلیلی نشده است و به صورت گذرا، تنها در چند مورد به آن اشاره کرده است و موارد اختلاف خود با اصولی‌ها و مجتهدان را به تفصیل تبیین ننموده است. به همین دلیل نمی‌توان به همه ابعاد نظر او در مسأله احتیاط، آگاه شد. به طور کلی او در برخی قسمت‌ها احتیاط را از مصادیق توقف دانسته یا آن را به صورت مستقل به کار برده است (سترآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۳۶، ۲۴۶، ۳۴۳، ۳۴۶). مثلاً او از روایات ائمه (ع) استفاده می‌کند که آن‌ها در مسائلی که حکمش را به طور مشخص ندانیم، توقف و در برخی از این موارد احتیاط را واجب نموده‌اند (پیشین، ص ۲۸۰ و ۲۸۸). به نظر می‌رسد او در این موارد، به معنای اصطلاحی اصولیان از اصل احتیاط، نزدیک شده است. او در همه موارد شک و شبهه و حتی ظن، توقف را لازم و واجب می‌داند و این‌که باید در فتوا و عمل، احتیاط نمود. او صریحاً در همه شبهات چه وجوبیه (ر.ک: پیشین، ص ۳۳۲) و چه تحریمی (ر.ک: پیشین، ص ۳۲۵)، وقتی شبهه در اصل تکلیف باشد، به وجوب توقف، حکم می‌کند. البته وجوب احتیاط را تنها در شبهات تحریمی - و نه وجوبیه - می‌داند (ر.ک: پیشین، ص ۳۴۶). به طور کلی در حسن احتیاط و وجوب توقف در شبهات - چه منشأ شبهه، شک باشد یا ظن؛ و چه شبهه در تکلیف باشد یا در مکلف به؛ در بخش‌های مختلف کتاب خود، قلم فرسایی می‌کند. البته از ظاهر کلام محدث استرآبادی و محدث بحرانی به دست می‌آید که آن‌ها در شبهات وجوبیه هنگام شک در اصل تکلیف، در جایی که شبهه در دوران میان وجوب و استحباب و جایی که شبهه در دوران میان وجوب و غیراستحباب و غیرحرمت است^۷، به تفصیل معتقد بوده‌اند: در صورت اول، احتیاط را واجب می‌دانسته‌اند (سترآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۳۴؛ و بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۶۸)؛ بر خلاف صورت دوم. تعبیر احتیاط در فتوا نیز برای اولین بار به شکل گسترده توسط استرآبادی ذکر گردد: (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۴۵). محدث بحرانی نیز راه استرآبادی را ادامه داده است (ر.ک: پیشین، ص ۴۴ و ۸۲).

۲- بررسی تطبیقی عنصر احتیاط در دو دوره پیش و پس از اخباری ها
 برای تبیین و تحلیل عنصر احتیاط در این دو دوره، ابتدا باید فضای حاکم در دوره پیش از اخباریان درباره احتیاط و پس از آن فضای حاکم بر فقهای پس از محدث بحرانی (که دوران افول اخباری ها به شمار می آید) در مسأله احتیاط، بررسی گردد.

۲-۱- جایگاه احتیاط در دوره پیش از اخباری ها (با تأکید بر آثار علامه حلی)

مناسب است که در این باره، ابتدا به اجمال، کتاب های فقهی علامه حلی را مرور کنیم و به طور کلی نظرات وی را درباره احتیاط ببینیم تا به این ترتیب، فضای حاکم بر فقه دوره نزدیک به اخباری ها، نسبت به مسأله احتیاط، با تحلیل عبارات مهم ترین استوانه فقهی آن دوره روشن گردد. علامه به طور کلی در کتاب های فقهی متعدد خود، احتیاط را هم در معنای لغوی^۱ و هم در معنای اصطلاحی به کار برده است که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

الف- بررسی موارد لزوم احتیاط

استفاده از اصل احتیاط لازم- یعنی در مواردی که اشتغال ذمه یقینی با عناصر دیگر احتیاط وجود دارد- در کتاب های مختلف علامه به چشم می خورد. در اصل این مسأله، نکته بحث برانگیز و اختلافی ای در عبارات علامه یافت نمی شود. در این قسمت، تنها درباره برخی مصادیق و مجاری جریان اصل احتیاط و کیفیت امتثال آن، که بعدها نیز در عبارات اصولیان و فقها محل اختلاف بوده است، نکاتی از عبارات علامه می توان دریافت که به آن ها اشاره می شود.

- به نظر می رسد وی به وجوب موافقت قطعی در اطراف علم اجمالی، معتقد است. مثلاً در «تحریر الأحكام» در بحث طلاق، در این مسأله که مردی دو زن یا بیش تر دارد و یکی از آن ها را بدون تعیین (واحدة غیر معینة) طلاق می دهد و قبل از تعیین از دنیا می رود، اگر زنان حامله باشند، می نویسد: «اعتددن بأبعد الاجلین و سواء أكان الطلاق بائناً أو رجعیاً تغلیباً لجانب الإحتیاط» (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۶۵). در این جا، علم اجمالی به طلاق یکی از طرفین (اطراف) وجود دارد و اگر صرف مخالفت قطعی حرام بود، نه این که موافقت قطعی واجب باشد، عده نگه داشتن یکی از زن ها کافی بود.

- یکی از نکات قابل توجه در عبارات علامه، نفی برخی احتیاط های فقهی قبلی است. وی در موارد متعدد، در حکمی که فقهای قبلی به دلیل احتیاط در مسأله بیان کرده اند، تشکیک می کند و معتقد است که آن احتیاط با اصل براءت ذمه، منافات دارد.

مثلاً وی در بحث «جلسه استراحت» بیان می‌دارد که سید مرتضی به وجوب آن حکم نموده و یکی از دلایل وی نیز «اصل احتیاط» است؛ اما مشهور به استحباب آن حکم نموده‌اند و قول صحیح نیز قول مشهور است؛ زیرا احتیاط با برائت ذمه، معارض است (حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعة، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۹ و ۱۷۲، و ج ۱، ص ۴۹۸-۵۰۰).

ب- استفاده از احتیاط به عنوان مؤید دلیل

مرآعه به عبارات علامه در کتاب‌های مختلف فقهی او، ما را به این مسأله می‌رساند که او در پاره‌ای موارد، از اصل احتیاط به عنوان یک پشتیبان برای دلیل یا دلایل دیگر بحث، استفاده می‌کند. در حقیقت، نقش احتیاط در این موارد، معاضدت دلیل یا دلایل دیگر است. برای تبیین این مسأله، به نمونه‌ای از کلام وی اشاره می‌شود. در تذکره در بحث مطهرات آمده است که آب ساکن بیش از حد کر با برخورد به نجاست، اگر تغییر نیابد، نجس نمی‌شود. وی در ادامه می‌نویسد: «و قضیة الشرط التنجیس عند عدم البلوغ و لأنه أحوط» (حلی، تذکره الفقهاء، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸). پس او معتقد است اقتضای این شرط (بلوغ کر) آن است که اگر کمتر از کر باشد، نجس می‌شود. دلیل دیگر او در این باره، احتیاط است. ظاهر کلام علامه نجس شدن حتمی است نه احتمال نجس شدن. حال در این مسأله از طرفی بحث مفهوم شرط، مربوط به مرحله ظهور است و اصل احتیاط به مرحله پس از ظهور مربوط می‌شود. پس مراد علامه این است که اگر مفهوم شرط به هر دلیل، ظهور نداشت، اصل احتیاط، نجس شدن حتمی کمتر از کر را اقتضا می‌کند. از طرف دیگر عناصر احتیاط لازم در این مسأله وجود ندارد؛ زیرا علم وجود دارد که بیش از کر نجس نمی‌شود، اما شک در نجس شدن یا نشدن کمتر از کر، موجود است (شک در اصل تکلیف). پس مراد علامه در این جا نمی‌تواند احتیاط لازم باشد. به دو صورت می‌توان عبارت او را تحلیل نمود^۹: الف) این که بگوییم احتیاط به کمک مفهوم شرط آمده تا موانع استظهار برطرف گردد و در حکم قرینه برای مفهوم شرط در این جا باشد. ب) این که عکس حالت اول لحاظ شود؛ یعنی هر چند در این جا شک در تکلیف است اما اصل احتیاط حاکم است به دلیل وجود مؤیدی که در مرحله استظهار وجود دارد و آن، احتمال مفهوم شرط در این مسأله است. با توجه به تقدم رتبه مرحله استظهار (رتبه امارات) بر مرحله اصل عملی، احتمال دوم با موازین فقهی سازگارتر می‌نماید؛ اما ظاهر کلام علامه به ویژه به ضمیمه موارد دیگر در لایه لای عبارات او، احتمال اول را تقویت می‌کند. مثلاً وی در بحث نماز، این مسأله را طرح می‌کند که اگر زن در حال نماز شک کند

که حائض شده یا خیر، وظیفه اش چیست؟ پس از ذکر روایتی در این مسأله، بیان می‌کند که در طریق این روایت، ضعف وجود دارد ولی چون موافق احتیاط است، اشکالی ندارد که به مضمون آن عمل شود. در این جا در حقیقت روایت را به دلیل این که مؤیدی دارد (اصل احتیاط)، کنار نگذاشته است. (حلی، منتهی‌المطلب، ج ۲، ص ۴۰۵).^{۱۰} پس در این قسمت، در حقیقت احتیاط به عنوان مؤید دلیل دیگر در استنباط قرار می‌گیرد و باعث تقویت آن دلیل می‌شود. در این صورت حکم مسأله تنها وظیفه عملی مکلف را بیان نمی‌کند، بلکه کاشفیت از واقع نیز دارد؛ و دلیل مسأله در مرتبه امارات قرار می‌گیرد، نه اصل عملی. شیخ نیز در «رسائل» در توجیه احتیاطهای موجود در عبارات سید مرتضی و شیخ طوسی به مؤید بودن آن‌ها اشاره نموده است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۳).

در پایان بحث بررسی احتیاط در دوره پیش از اخباری‌ها تذکر دو نکته مهم ضروری می‌نماید:

۱- در کتاب‌های علامه و فقهای نزدیک به عصر او (همانند شهیدین)، به عنصر مخاطب در فتوا کاملاً توجه شده است؛ به همین سبب در کتاب‌های فتوایی صرف یا کتاب‌های نیمه استدلالی و متوسط فقهی که معمولاً برای مخاطبان عام و غیر مجتهد نگاشته شده است، فتوای به احتیاط، به ندرت دیده می‌شود. مثلاً موارد احتیاطی علامه در «ارشاد» و «تبصره» کمتر از انگشتان یک دست است و همچنین در «أجوبه» که نیمه استدلالی است و برای مخاطب خاصی نگاشته شده نیز همین مسأله دیده می‌شود. پس از او نیز در کتاب «لمعه» شهید اول که جنبه فتوایی داشته و حتی شرح شهید ثانی بر آن که نیمه استدلالی است، همین امر مشاهده می‌شود. این فقها تنها در کتاب‌های مفصل فقهی خود، به بیان مسائل احتیاطی در سطحی نسبتاً وسیع پرداخته‌اند که البته باز هم نسبت به مسائل احتیاطی که در کتاب‌های فقهی پس از اخباری‌ها وجود دارد، بسیار کمتر است.

۲- تا آن جا که نگارنده جستجو نمود، در هیچ یک از کتاب‌های فقهی فتوایی علامه، احتیاط و توقف در فتوا (حتی یک مورد) یافت نشد و این امر نشان می‌دهد که فقهای پیش از اخباری‌ها معتقد بوده‌اند هنگامی که فقیه با تلاش خود با استفاده از ادله و روش صحیح فقهی، به حکمی (هر چند ظنی) در مسأله می‌رسد، حجیت آن تمام است و جایی برای تردید وجود ندارد؛ زیرا مقدمات آن را شارع تأیید کرده است و هر چند نتیجه نهایی ممکن است ظنی باشد و احتمالات دیگری نیز در مسأله وجود داشته باشد، این ظن هم به دلیل اعتبار مقدمات و مبادی آن، معتبر خواهد بود.

۲-۲- بررسی عنصر احتیاط در دوره پس از اخباری‌ها (با تأکید بر آرای صاحب

جواهر، شیخ انصاری و صاحب عروه)

پیش از پرداختن به این بحث، ذکر یک نکته لازم به نظر می‌رسد؛ با توجه به این که از میان این سه فقیه تأثیرگذار در فقه پس از افول اخباری‌ها، صاحب جواهر در عرصه فقه، صاحب تألیفی مفصل‌تر و مبسوط‌تر است، طبیعی خواهد بود که بسیاری از مثال‌ها در این قسمت، از کتاب «جواهر الکلام» ذکر شود.

۲-۲-۱- نقاط مشترک دو دوره پیش و پس از اخباری‌ها

- احتیاط به معنای اصطلاحی، به عنوان امری واجب و لازم بسیار به کار رفته است. تعبیری مانند «الاحتیاط الواجب» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۵۲۶ و ج ۲۴، ص ۱۱۶) و «وجوب الاحتیاط» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۸۵؛ و انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۱۷) در عبارات فقهای این دوره دیده می‌شود. علاوه بر این، همه کتاب‌های فقهی این فقها و فقهای بعدی، مشحون از تعابیر احتیاط و أحوط است.

- احتیاط به عنوان مؤید نیز در عبارات صاحب جواهر وجود دارد و حتی برخی از عبارات او در این باره صریح‌تر از عبارات گذشتگان است؛ مثلاً در بحث صلوة عاری، روایت مرسله‌ای نقل می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «إذا انضم الاحتیاط إلى خبره و شهرة العمل به تعین العمل علی و فقه من غیر حاجة إلى مراعاة صیورته حجة بالإنجبار» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۰۰)؛ پس نظر صاحب جواهر بر این است که احتیاط می‌تواند به جای ضعف سند و برای جبران ضعف آن، به روایت کمک نماید.

۲-۲-۲- نقاط متمایز این دوره با دوره پیش از اخباری‌ها

نگاه به احتیاط در این دوره، تفاوت‌هایی با دوره پیش از اخباری‌ها دارد. در ادامه به مهم‌ترین تفاوت‌هایی که استقصا شده است، اشاره می‌شود. البته باید توجه داشت که همه این تمایزها اهمیت یکسانی ندارند و تأثیر برخی از آن‌ها بر فقه، کمتر و برخی بیش‌تر است.

۱- روحیه احتیاط‌گرایی در عبارات مختلف «جواهر» به چشم می‌خورد. مثلاً در جایی آمده است: «الحزم عدم ترک الاحتیاط فی کثیر مما سمعت من المسائل، لعدم تحریرها فی کلام أحد من العلماء هنا و عدم وضوح أدلتها من الكتاب و السنة فتأمل» (پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴۵). بر اساس این عبارت، هر جا که فقیه در دلیل مسأله، به آیه و روایتی نرسد و مسأله سابقه‌ای در کلام فقهای پیشین نداشته باشد، باید احتیاط کند. در حالی که پیش از دوره اخباری‌ها، علامه یا فقهای دیگر مسائل جدید طرح می‌کردند و در آن‌ها فتوای احتیاط داده نمی‌شد.

۲- با مراجعه به ادله مذکور در «جواهر» به این نتیجه می‌رسیم که برخی احتیاط‌های لازم

از این کتاب آغاز شده و سابقه نداشته است. مثلاً در این بحث که «لو وطأ الحائض عمداً عالماً بالتحريم قبلاً، فعل حراماً»، میان فقها اختلاف است که این عمل حرام، کفاره هم دارد یا خیر؟ علامه در «مختلف» قول به وجوب کفاره را به شیخ در «جمل»، «خلاف» و «مبسوط» منتسب می‌کند. در مقابل از مفید، ابن بابویه، سید مرتضی، ابن براج، ابن ادریس، ابن حمزه و شیخ در «نهایه» قول به استحباب را نقل می‌کند (حلی، مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۸). محقق در «معتبر» (حلی، المعتمر، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۳۱)^{۱۱} و علامه در «مختلف» (حلی، مختلف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۹) و «منتهی» (حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۳۸۷) نیز به استحباب در مسأله، حکم نموده‌اند. البته محقق، بر خلاف علامه، به حسن احتیاط برای قول به وجوب نیز اشاره نموده است؛ ولی علامه با اصل براءت، عدم وجوب کفاره را نتیجه می‌گیرد. وی روایات دال بر وجوب و روایات دال بر عدم وجوب را ذکر می‌کند و بیان می‌دارد که روایات دال بر وجوب، از نظر سند ضعیف و از نظر دلالت نیز معارض با روایات دسته دیگر هستند و جمع میان این دو دسته، در صورت پذیرش دسته اول، حمل این دسته بر استحباب است. صاحب جواهر پس از این که از نظر سند و دلالت برخی روایات مورد استناد علامه را در باب عدم وجوب کفاره رد می‌کند، در نهایت به لزوم احتیاط در مسأله و وجوب کفاره حکم می‌دهد. وی در توجیه حکم خود می‌نویسد: «کل ذامع إعراض من سمعت من الأصحاب عنهما و فیهم من لا یعمل إلا بالقطعیات، مضافاً إلى أنهم البصیرون الناقدون للروایات، لكونها خرجت من أیدیهم و هم أعرف بها من غیرهم» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۳۳). پس صاحب جواهر معتقد است از آن جا که در میان آن دسته از فقها که در این مسأله به وجوب حکم نموده‌اند، افراد بسیار دقیق و ناقدی وجود دارد، به همین دلیل نمی‌توان به راحتی از فتوای آن‌ها به وجوب کفاره گذشت. ولی علامه در مقابل، با وجود علم به این فتوا، وقتی روایات و سایر ادله را بررسی می‌کند و مسأله را اختلافی (و نه اجماعی) می‌یابد، بدون هیچ روحیه احتیاطگرایی در فتوا، به استحباب حکم می‌کند؛ و به این صورت، کلفت مالی ای را نفی می‌کند که با احتیاط بدون دلیل بر ذمه مکلف قرار می‌گیرد. نمونه‌های دیگری نیز در این باره وجود دارد (مثلاً ر. ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۱۳۴).

۳- صاحب جواهر تعابیری در مدح احتیاط ذکر نموده است که سابقه‌ای در فقهای پیش از اخباری‌ها ندارد. مثلاً تعبیر «الاحتیاط الذی هو ساحل بحر الهلکة لاینبغی ترکه» با اندک تفاوت‌هایی، در موارد متعددی در «جواهر» بیان شده است.^{۱۲} شبیه این تعبیر را شهید ثانی، تنها در یک مورد، در اجازه‌اش به شیخ محمد بن محمد لاهیجانی گیلانی

آورده است (عاملی، رسائل الشهد الثانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۴۷). محدث بحرانی از تعبیری نظیر آنچه بیان شد در «حدائق» بسیار استفاده کرده است.^{۱۳} این تعبیر بعد از «جواهر» نیز در کتاب‌های فقهی دیده می‌شود. ذکر این نکته در این قسمت، لازم می‌نماید که آنچه صاحب جواهر بیان نموده، فی نفسه و به خودی خود کلام صحیحی است؛ یعنی احتیاط، راه نجات از هلاکات است، اما استفاده از احتیاط در سطح وسیع و ذکر این عبارات به صورت متعدد در «جواهر»، روحیه احتیاطگرایی بالای او را نشان می‌دهد و با توجه به نزدیکی زمان حیات صاحب جواهر با دوره اخباری‌ها، احتمال زیادی دارد که به دلیل همین و تسلط سنگین اخباری‌ها بر فضای فقه و فقهات شیعه در طی بیش از دو قرن، این نوع نگاه و این همه تأکید که پیش از آن‌ها دیده نشده، کاملاً متأثر از آن‌ها باشد.

۴- یکی از تمایزهای دوره پس از اخباری‌ها با پیش از آن - که با اطمینان می‌توان به نبود آن در فقه قبل از اخباری‌ها حکم داد - بحث احتیاط و توقف در فتوا در کتاب‌های فتوایی است که مخاطبان آن عموم مردم هستند. زمینه‌های این مسأله از اخباری‌ها شکل می‌گیرد که به صورت گسترده به توقف و احتیاط در فتوا حکم می‌نمایند. پس از افول اخباری‌ها این امر در کتاب‌های صاحب جواهر، شیخ انصاری، صاحب عروه و سایر فقها نمایان می‌شود. این مسأله آن قدر روشن است که نیازی به بررسی تفصیلی ندارد و تنها به چند مورد از آن تعبیر اشاره می‌شود. معمولاً مواردی که فقیه فتوای نهایی خود را نداده است و از عبارات او نمی‌توان به نظر نهایی اش دست یافت، از بارزترین موارد این مسأله به شمار می‌آیند؛ عباراتی مانند «الثانی لا یخلو من قوة و إن کان الأحوط الأول»^{۱۴} و «الأحوط فی مثله اجراء الحکمین لمراعاة الإحتیاط» (یزدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۴۴)^{۱۵}

در مواردی نیز حکم به احتیاط با احتیاط در فتوا درهم آمیخته‌اند. مثلاً در «عروه» تعبیر «نعم لا یبعد... و لکن الأحوط مراعاة الإحتیاط»^{۱۶} آمده است.

۶- بحث احتیاط در احتیاط، یکی دیگر از ممیزات این دوره است. در موارد متعدد در یک مسأله خاص، به احتیاط حکم شده است؛ و مجدداً در آن احتیاط نیز یک حکم احتیاطی دیگر ذکر شده است (احتیاطهای متداخل). در مواردی فقها تا چهار احتیاط متداخل در یک مسأله بیان کرده‌اند. مثلاً در بحث معنای اصطلاحی احتیاط گذشت که احتیاط می‌تواند دارای مراتب باشد؛ زیرا احتیاط نوعی انقیاد تام مکلف نسبت به شارع است و مکلف می‌تواند نسبت به حکم شارع با رعایت احتیاط به مقصود واقعی نزدیک شود. اما گاهی فقیه در فهم خود از ادله، به این نتیجه می‌رسد که با انجام مرحله‌ای از احتیاط، غرض مولا تأمین

می‌شود؛ ولی اگر مکلف بخواهد به مرتبه اطمینان بالاتری نسبت به اتیان غرض مولا دست یابد، می‌تواند (نیکوست) که با احتیاط بیش‌تر به این امر دست یابد. در حقیقت در این موارد، گاهی احتیاط اول، حسن دارد و نه الزام؛ و گاهی الزام دارد؛ اما احتیاط‌های بعدی در هر دو حالت در نظر مجتهد و فقیه، لزوم آور نیست و از سنخ احتیاط‌های نیکو به شمار می‌رود که مکلف با اتیان هر کدام از آن‌ها، نسبت به احراز مقصود شارع اطمینان بیش‌تری می‌یابد. البته باید توجه داشت که در این مسأله، مقصود و غرض مولا و واقع، حکم متعدد نیست و واقع بیش‌تر از یکی نیست و احتیاط هم همچنان برای احراز مقصود واقعی شارع استفاده می‌شود. بنابراین متعلق احتیاط و به تبع آن خود احتیاط می‌تواند دارای مراتب باشد. البته باید توجه داشت که این تحلیل با همه موارد احتیاط، سازگاری ندارد و تنها در مواردی است که مجتهد بتواند برای احراز مقصود شارع، چند مرتبه لحاظ کند. شاید بتوان یکی از بارزترین مصادیق این مسأله را در جایی دانست که علم اجمالی به وجوب یا حرمت اطراف شبهه وجود دارد. در این حالت اگر مبنای مجتهدی این باشد که تنها مخالفت قطعی حرام است، ولی موافقت قطعی واجب نیست؛ از باب احتیاط، به لزوم فعل یا ترک یکی از اطراف، حکم می‌نماید؛ اما با این حکم، او حسن احتیاط در فعل یا ترک همه اطراف را نفی نمی‌کند و آن را احتیاط بالاتر و آكد نسبت به احتیاط قبلی می‌داند. با توجه به محدودیت مقاله در این جا به ذکر یک نمونه اکتفا می‌شود.

- در جواهر در بحث نماز جمعه، در مسأله وجوب قرائت سوره جمعه و منافقین در رکعت اول و دوم، به عدم وجوب این قرائت حکم شده و روایات وارد در این مسأله بر استحباب مؤکد این قرائت، حمل شده است. صاحب جواهر در ادامه می‌نویسد: «و إن كان الأحوط عدم تركهما إلا للعدر كالسفر و المرض و خوف فوات الحاجة بل أحوط منه الاقتصار على الأعدار الصالحة لإسقاط الواجب» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۸۶).^{۱۷} در این جا نظر اولی وی استحباب است و بنا بر احتیاط لازم، آن را واجب می‌داند؛ مگر این که به دلیل مطلق عذر، ترک شود؛ و در ادامه احتیاط نیکوتر از احتیاط قبلی را در این می‌داند که واجب باشد، مگر در عذرهایی که صلاحیت اسقاط واجب را دارند.

آنچه تاکنون بیان شد به مراتب احتیاط نسبت به یک مسأله و یک واقعه مربوط بود. اما در عبارات این فقها نکاتی وجود دارد که نمونه دیگری از احتیاط آكد را نشان می‌دهد؛ و آن مؤکد بودن احتیاط در جایی است که قوت محتمل، بالاتر باشد. مثلاً در این مورد به عبارتی از صاحب عروه اشاره می‌شود. او معتقد است در جایی که مکلف در صحت نماز

شک کند و احتیاط، اقتضای حسن یا لزوم اعاده داشته باشد، اگر نماز واجب باشد، اعاده نماز، احتیاط مؤکد است نسبت به جایی که نماز مستحب است: «الاحتیاط بالإعادة فی الفریضة أكد من النافلة» (پیشین، ج ۱، ص ۵۰۴).

در پایان این بخش مناسب است به این نکته اشاره شود که افزایش روحیه احتیاطگرایی پس از اخباری‌ها، بعد از این فقهای بزرگ نیز تا زمان حاضر همچنان بر فضای فقهی سایه افکنده است که به نمونه‌هایی از آن به صورت گذرا اشاره می‌شود:

- کتاب‌های فتوایی یکی از بارزترین این نمونه‌هاست. در کتاب «مجمع الرسائل» که متن اصلی آن رساله عملی صاحب جواهر و حواشی آن از شیخ انصاری، آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، میرزای شیرازی و محمدباقر شیرازی است، کمتر مسأله‌ای می‌توان یافت که در آن احتیاط نشده باشد. در «عروة الوثقی» که محشی به حاشیه بزرگانی چون میرزای نائینی، شیخ عبدالکریم حائری، آقاضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سید حسین بروجردی، سید محسن حکیم، سید احمد خوانساری، امام خمینی، آقای خویی و آقای گلپایگانی است نیز همین مسأله به وضوح به چشم می‌خورد.^{۱۸} بنابراین احتیاط از کتب استدلالی وارد کتب فتوایی شده است. نمونه دیگری که شهید مطهری بیان می‌کند، در بحث حجاب، درباره حکم نظر به وجه و کفین و پوشش آن است. وی به برخی فتاوا در این باره اشاره می‌نماید و در ادامه می‌نویسد: «اما فقهای متأخر و معاصر غالباً در این دو مسأله از اظهار نظر صریح در رساله‌های عملیه خودداری کرده‌اند و معمولاً طریق احتیاط می‌پویند... بی‌گمان حس احتیاط یکی از موجبات پرهیز از فتوای به جواز نظر و عدم لزوم پوشش است» (مطهری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۹، ص ۵۵۸).

- گزارش‌هایی از برخی فقهای نقل شده که مبنای آن‌ها بر ارجاع مقلدان به احتیاط بوده است. مثلاً آقای حائری در «دررالفوائد» نقل می‌کند که بنای استاد اساتیدش، میرزای شیرازی بر ارجاع مقلدانش به احتیاط بوده است» (حائری یزدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۷). شهید مطهری نیز از قول آقای بروجردی نقل می‌کند که وی گاهی به فتوایی بر خلاف احتیاط و جوبی می‌رسید ولی آن را نقل نمی‌کرده است (مطهری، ج ۱۹، ص ۵۹۷).

۳- برخی چالش‌ها و ابهام‌ها درباره عنصر احتیاط و روحیه احتیاطگرایی

هرچند این مقاله در صدد بررسی عنصر احتیاط در دو دوره پیش و پس از اخباری‌هاست، بیان چند ابهام درباره اصل احتیاط و روحیه احتیاطگرایی، می‌تواند به تکمیل شدن بحث کمک کند:

أ- روحیه احتیاط گرایی در سه حوزه با مشکل روبه رو است :

الف) در اصل حکم مسائل و موضوعات مستحدث و جدید؛ نفس جدید بودن - یعنی این که پس از زمان معصومان (ع) و به عبارتی پس از عصر تشریح و تبیین شکل گرفته است - به خصوص مسائل و موضوعات جدید معاصر که در ابواب مختلف فقهی بیان شده است^{۱۹}، باعث می شود استنباط حکم از متون دینی به سختی انجام گیرد و معمولاً در فتاوی فقهی کمتر حکم صریحی در این باره به چشم می خورد. در این گونه مسائل اگر عموماً و اطلاعات یا انحاء دیگر استظهارات وجود داشته باشد، به آن ها تمسک می شود؛ در غیر این صورت به نظر می رسد با توجه به نبود دلیل در مسأله، نمی توان به جریان احتیاط در آن ها حکم نمود، بلکه تا زمانی که شیوه های استظهار محدود به مواردی است که در علم اصول کنونی مورد قبول است، باید به براءت و جواز حکم شود. در این باره توضیح بیش تری لازم است؛ به نظر می رسد که باید حدود و جایگاه احتیاط در روش شناسی اجتهاد و استنباط، روشن و برای گسترش دامنه تمکن فهم از ادله تلاش شود و مباحث جدیدی در علم اصول به بحث کشیده شود تا در صورت اثبات حجیت، از آن ها برای فهم استفاده شود. مباحثی مانند امکان و چگونگی اصول فقه حکومتی (در صورت وجود) و تفاوت آن با اصول فقه موجود، اهداف و مقاصد شارع، مذاق شریعت، ارتکازات متشرعه، بنائات جدید عقلایی، امکان تأثیر گذاری کارآمدی در حجیت، جایگاه تبدیل موضوع در استنباط حکم و ... به طور کلی، هر چه دامنه روش های استنباطی از ادله کمتر باشد، خود به خود دامنه عمل به احتیاط و سایر اصول عملیه توسعه می یابد. البته این موضوع به دانش اصول منحصر نیست و سایر دانش های مرتبط با امر استنباط فقهی، مانند رجال را نیز شامل می شود؛ اما طبیعی است که به دلیل رابطه اصول با فقه، این مسائل در دانش اصول نمود بیش تری داشته باشد. برخی فقها نیز جریان احتیاط در مسائل مستحدث را لازم نمی دانند (نجفی، مجمع الرسائل، ص ۸، حاشیه محمدباقر شیرازی).

ب) در لسان و ادبیات قانونی مسائل حکومتی؛ از آن جایی که حاکم و قانون گذار جامعه اسلامی برای اداره جامعه باید حکم نهایی را صادر کند، به همین دلیل نمی تواند خود و کارگزاران خود را در این امور به احتیاط ملزم کند؛ زیرا اولاً در بسیاری مواقع باعث هرج و مرج یا عسر و حرج یا دوری مردم در نظام اسلامی از احکام دین الاهی خواهد شد؛ و ثانیاً حاکم نمی تواند در بیان حکمی توقف و احتیاط نماید؛ زیرا این امر باعث سردرگمی بخش های مختلف جامعه، اعم از بخش های مدیریتی، اجرایی و شخصیت های حقیقی و حقوقی خواهد شد.

ج) در مسائل اجتماعی و عمومی متداول میان مردم؛ مسائلی که مربوط به جامعه است و حکم آن‌ها برای فرد به تنهایی، بدون لحاظ او در جامعه، مصداق نمی‌یابد، از موارد مشکل جریان احتیاط است؛ زیرا در غالب این موارد، رعایت احتیاط باعث عسر و حرج و مشقت می‌شود. این مسأله را اجمالاً از روایات نیز می‌توان استنباط کرد. مثلاً روایاتی که به حلیت کالاهای موجود در بازار مسلمین و جواز خواندن نماز با آن‌ها حکم نموده‌اند، به خصوص با تعابیری مانند این که دین خدا وسیع‌تر از این سخت‌گیری‌هاست (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۵۷)، یا این که این مسأله سیره‌آئمه بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۴۰۴، ح ۳۱؛ و طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۹۲۱)، یا اگر غیر از این باشد برای مسلمانان بازاری باقی نمی‌ماند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۸۷، ح ۱؛ صدوق، ج ۳، ص ۵۱، ح ۳۳۰۷؛ و طوسی، ج ۶، ص ۲۶۱، ح ۶۹۵)، می‌توانند شاهی بر این ادعا باشند. برخی فقها نیز به این مسأله اشاره نموده‌اند. مثلاً شیخ جعفر کاشف‌الغطا در بحث سوق و ید مسلمان، بیان می‌کند که اگر از ید یا سوق مسلمانان، حیوان، پوست یا متعلقات آن به دست آید، حکم به طهارت و تذکیر و ذبح شرعی آن حیوان می‌شود. وی در ادامه می‌نویسد: «و ما یؤتی به من بلاد الکفار کالبرغال و القضاغی و نحوه لابس به إذا أخذ من ید المسلمین أو من سوقهم و الظاهر أن الإحتیاط فی مثله من الأمور العامة المتداولة لیس بمطلوب» (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۶). در ادامه مثال‌های دیگری هم ذکر می‌کند. شهید صدر نیز معتقد است از مذاق شارع و اهتمامش به انتظام بخشیدن به همه شؤون زندگی بشر به دست می‌آید که به مرجعیت احتیاط، راضی نیست. وی در ادامه از عقل نیز برای بیان این مسأله کمک می‌گیرد و معتقد است مرجعیت احتیاط، باعث تعطیلی شریعت می‌شود (صدر، ۱۴۱۷ ق، بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۴۴۴).

ب- مناسب است در پاره‌ای امور مرتبط با بحث احتیاط، قواعدی تعیین شود تا به کمک این قواعد بتوان در مراحل استنباط، به صورت شفاف با بحث احتیاط روبرو شد.

- در مواردی که عناصر احتیاط لازم، تمام نیست، آیا باز هم می‌توان به احتیاط لازم حکم نمود؟ و نیز اگر در وجود برخی عناصر، شک وجود داشت، اصل بر احتیاط است یا خیر؟ یک پاسخ سریع این است که در مواردی که عناصر احتیاط، تمام نیست یا در وجود آن‌ها شک است، به طور کلی در صورت امکان، احتیاط امری حسن باشد. پاسخ دیگر این است که در مسأله تفصیل داده شود. با توجه به توالی فاسدی که قبلاً گذشت، در احکام اجتماعی، حکومتی و مسائل مستحدثه نمی‌توان به حسن احتیاط، حکم کرد؛ اما در مسائل فردی عبادی می‌توان به حسن احتیاط حکم نمود.

- با توجه به این که فقه، مسؤولیت تعیین احکام مکلفان را برعهده دارد، بنابراین رسالت فقها کشف و استنباط احکام شرعی است. حال در مواردی که فقیه به هر دلیل قادر به استنباط حکم شرعی نباشد، بدون در نظر گرفتن شرایط مکلفان و با وجود بروز مشکلاتی مانند سرگردانی آنان در تشخیص حکم و به عسر و حرج افتادن آن‌ها و مانند آن، آیا وی باز می‌تواند در فتوا احتیاط کند؟ به نظر می‌رسد توجه به این نکته، باعث کاهش موارد احتیاط در فتوا در کتاب‌های فتوایی خواهد شد.

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی احتیاط به معنای اصل عملی، نشان می‌دهد که در دو دوره مورد بحث، در استفاده از این اصل، تفاوت چشمگیری وجود ندارد و فقیهان چه پیش از اخباری‌ها و چه پس از آن‌ها از این اصل بهره برده‌اند. البته با تنقیح ابعاد و ویژگی‌های اصول عملیه - توسط اصولی‌های متأخر مانند وحید بهبهانی و شیخ انصاری - در دانش اصول، تا حدودی کاربرد این اصل در فقه شفاف‌تر شده است. با توجه به آنچه در قسمت‌های قبلی بیان شد، می‌توان تمایز اصلی این دو دوره را در بحث احتیاط، در روحیه احتیاطگرایی دانست؛ در دوره پیش از اخباری‌گری این روحیه بسیار کمرنگ است، در حالی که پس از افول اندیشه اخباری این روحیه تقویت می‌شود و انعکاس آن به صورت کاملاً روشن در کتاب‌های فقهی نمایان می‌گردد. به طور کلی می‌توان این روحیه را در دو حوزه مشاهده کرد:

۱. در ادبیات فقیهان؛ همان‌گونه که بیان شد، در کتاب‌هایی همچون «جواهر الکلام» عبارات متعددی در مدح احتیاط یا تعابیری با این مضمون دیده می‌شود که فقیه هر جا دلیلی نیابد باید احتیاط کند. این ادبیات و تعابیر، از شکل‌گیری فضای خاصی در رویکرد به احتیاط و اهمیت آن نزد فقیه حکایت دارد که پیش از اخباری‌ها دیده نمی‌شود.

۲. در عمل فقیهان؛ اوج روحیه احتیاطگرایی این است که فقیه پس از مباحث استدلالی و اجتهادی، از بیان حکم نهایی مسأله و فتوای خود، خودداری ورزد و به احتیاط در مسأله حکم نماید؛ به عبارت دیگر، در فتوا توقف و احتیاط نماید.

مقایسه دو دوره فقهی محل بحث نشان می‌دهد که در کتاب‌های استدلالی هر دو دوره، احتیاط و توقف در فتوا وجود دارد؛ هر چند این مسأله پس از اخباری‌ها بیش‌تر دیده می‌شود. در مقابل این امر در کتاب‌های نیمه استدلالی و فتوایی پیش از اخباری‌ها، احتیاطگرایی در فتوا به ندرت و به صورت انگشت شمار دیده می‌شود، در حالی که پس از آنان این مسأله در

لابه لای کتاب‌های فتوایی به وفور یافت می‌شود. البته باید توجه داشت که بخشی از این احتیاطها به دلیل تفاوت‌های شرایط زمانی این دو دوره است. با وجود اندیشه اخباری در میان دو دوره فقهی محل بحث، می‌توان ادعا نمود که این اندیشه، زمینه تقویت روحیه احتیاطگرایی در فتوا را فراهم نموده است. توجه به چند نکته می‌تواند به تقویت این ادعا کمک کند:

الف) گسترش جریان اصل احتیاط به شبهات بدویه تحریمی و توقف در برخی شبهات بدویه وجوبیه توسط اخباری‌ها تبیین شد و بزرگان اخباری، استدلال‌های مختلفی نیز بر این امر اقامه نمودند. این ادعا و استدلال‌های آن را بعدها وحید بهبهانی و به صورت گسترده‌تر شیخ انصاری نقد و رد کردند؛ اما به هر حال، طبیعی بود که ذهن فقیهان را نسبت به بحث احتیاط حساس‌تر از گذشته نماید و باعث شود با سخت‌گیری بیش‌تری از بحث احتیاط عبور کنند.

ب) در تاریخ تحولات فقه، فقها در مقاطعی نسبت به دسته‌ای از روایات در یک بحث توجه ویژه‌ای داشته‌اند و به آن عمل کرده‌اند؛ و در مقابل، دسته دیگری از روایات مرتبط با همان مسأله کمتر محل توجه فقیهان قرار می‌گرفته است؛ یا در برهه‌ای از زمان، فهم مشهور فقها نسبت به دسته‌ای از روایات با فهم فقیهان در زمان دیگر، متفاوت بوده است. مثال مشهور این مسأله، روایات مربوط به «منزوحات بئر» است که فقهای پیش از علامه حلی به آن‌ها عمل و از آن‌ها وجوب را برداشت می‌کردند؛ اما پس از وی دسته دیگری از روایات، مبنای عمل فقیهان قرار گرفت و روایات مربوط به منزوحات، بر استحباب حمل شد. روایات بحث احتیاط و توقف را نیز می‌توان از مصادیق این نکته دانست؛ زیرا تا پیش از اخباری‌ها، در متون فقهی و اصولی کمتر اثری از آن‌ها دیده می‌شود؛ اما این روایات را استرآبادی به صورت گسترده ذکر کرد و اخباری‌های پس از وی نیز با توجه ویژه به این روایات، باعث ورود گسترده آن‌ها به مباحث فقهی و اصولی شدند. توجه اخباری‌ها به این دسته از روایات، می‌تواند یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری روحیه احتیاطگرایی پس از آن‌ها باشد.

ج) در لابه لای کتاب‌های اخباریان، توصیه به احتیاط در فتوا و پرهیز از فتوادادن به صورت گسترده به چشم می‌خورد.^{۲۰} بزرگان اخباری مانند محقق بحرانی و علامه مجلسی و شیخ حر عاملی خود فقهای متبحر و نزد فقها از جایگاهی ویژه برخوردار بوده‌اند؛ به همین دلیل فقهای بعدی از آرا و نظرات فقهی آنان بهره‌مند گشته‌اند. با توجه به این نکته، تأثیرگذاری اخباری‌ها بر فقهای پس از خود، به خصوص در آن دسته از مبانی که در اندیشه اخباری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، دور از ذهن نیست. به نظر می‌رسد روحیه احتیاطگرایی دست کم در سه حوزه مسائل مستحدثه، مسائل حکومتی و مسائل اجتماعی دچار ابهام است و در بسیاری از موارد مذکور، به عسر و حرج منجر می‌شود.

یادداشتها:

۱. برای روایات احتیاط در بحث فروج ر. ک: عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۵۸ و ۲۵۹، ح ۲۵۵۷۲ و ۲۵۵۷۳؛ و ج ۲۷، ص ۱۵۹، ح ۳۳۴۷۸؛ و برای روایات احتیاط در بحث دماء ر. ک: همان، ج ۲۷، ص ۲۳۵.
۲. ر. ک: عاملی کرکی: جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۱۲؛ اردبیلی: مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ بهبهانی: الرسائل الأصولیة، ص ۴۱۹ و الرسائل الفقھیة، ص ۱۸۰؛ آخوند خراسانی: کفایة الأصول، ص ۳۲۲ و درر الفوائد، ص ۱۳۲؛ بجنوردی، حسن: القواعد الفقھیة، ج ۳، ص ۳۶؛ و نائینی: أجدود التقريرات، ج ۲، ص ۸۱ و ۱۷۱.
۳. ر. ک: بجنوردی: پیشین؛ اراکی، محمدعلی: أصول الفقه، ج ۱، ص ۶۵۵؛ و مکارم شیرازی: أنوار الأصول، مقرر احمد قدسی، ج ۳، ص ۲۰۳.
۴. ر. ک: انصاری، شیخ مرتضی: فرائد الأصول، ج ۲، ص ۵۰۶؛ عراقی، ضیاءالدين: نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۲۷۴؛ اصفهانی، محمدحسین: الفصول الغروية، ص ۳۵۲؛ خویی، سید ابوالقاسم: التنقیح، ج ۳، ص ۱۷۱؛ مشکینی، ابوالحسن: حواشی المشکینی علی الکفایة، ج ۴، ص ۱۴۲؛ مجاهد، محمد: مفاتیح الأصول، ص ۳۴۷؛ و صدر، محمدباقر: مباحث الأصول، مقرر سید کاظم حائری، ج ۳، ص ۴۸۸.
۵. ر. ک: حسینی، احمد: مقاله احتیاط یا راه سوم، مجله فقه، ش ۲۹ و ۳۰.
۶. ر. ک: یزدی، محمدکاظم: العروة الوثقی (محصی)، حاشیه احمد خوانساری، ج ۱، ص ۲۱؛ آملی، میرزاهاشم: الإجتهد والتقلید، ص ۳۸۰؛ صدر، رضا: الإجتهد والتقلید، ص ۲۵۳؛ حسینی شیرازی، صادق: بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۴۰۲؛ و استادی، رضا: برخی از مبانی احتیاطات در کتابهای فقهی، مجله کیهان اندیشه، ش ۳۷، ص ۳۵.
۷. البته در حالتی که شبهه در دوران میان وجوب و استحباب و کراهت و جواز باشد، اظهارنظر ننموده اند.
۸. برای معنای لغوی ر. ک: حلی، ارشاد الأذهان، ج ۱، ص ۲۹۳؛ قواعد الأحكام، ج ۱، ص ۲۶۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۵۲ و ج ۱۴، ص ۴۹ و مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۸.
۹. البته تحلیل دیگری نیز در این باره وجود دارد؛ این که گفته شود در زمان علامه هنوز رابطه امارات و اصول عملیه روشن نبوده است؛ به همین دلیل در کنار یکدیگر یا در مواردی اصول عملی مقدم بر امارات ذکر می شده اند. به نظر می رسد این بیان، نگاه ساده ای به این مسأله و بیانگر کم دقتی علمی فقهای پیشین و به دور از انصاف است و پذیرش آن مشکل می نماید. بنابراین با فرض عدم پذیرش چنین نکته ای، یکی از دو احتمال بالا قابل تصور خواهد بود.
۱۰. موارد دیگری نیز در کلام وی یافت می شود. مثلاً ر. ک: منتهی المطلب، ج ۵، ص ۸۴.
۱۱. وی پس از ذکر روایات طرفین در وجوب و عدم وجوب کفاره می نویسد: «فالأولی الجمع بینهما

- بالاستحباب و عدم الوجوب» (المعتبر، ج ۱، ص ۲۳۱).
۱۲. ر. ک: جواهر الکلام، ج ۸، ص ۴۸؛ ج ۱۲، ص ۶۵ و ۳۲۸؛ ج ۱۳، ص ۱۶۴؛ ج ۱۴، ص ۲۲۸؛ ج ۱۶، ص ۱۳۱؛ ج ۱۷، ص ۱۳۹ و ۱۸۴؛ ج ۱۸، ص ۲۳۲؛ ج ۱۹، ص ۴۴۳؛ ج ۲۲، ص ۲۴۰؛ ج ۲۴، ص ۲۰۷. عبارت «مهما أمکن الاحتیاط کان أولى» نیز در «جواهر» بیان شده است (همان، ج ۳، ص ۲۷۶).
۱۳. یکی از تعبیر او چنین است: «فالأرجح الوقوف علی ساحل الاحتیاط» (بحرانی الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۱۰، ۱۱۷ و ۵۲۲؛ ج ۲، ص ۱۸۴؛ ج ۳، ص ۲۸ و ۸۷؛ ج ۷، ص ۱۷۱؛ ج ۱۱، ص ۱۳۳؛ ج ۱۵، ص ۲۲۰ و ۲۶۰ و ۲۷۷).
۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۷۳؛ ج ۵، ص ۱۹۵؛ ج ۶، ص ۱۵۲؛ ج ۸، ص ۱۲۹؛ ج ۹، ص ۳۰۹؛ ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ ج ۱۸، ص ۳۳۷ و ۳۵۲؛ انصاری، پیشین، رسائل فقهیه، ص ۲۲۷؛ أحكام الخلل فی الصلوة، ص ۱۴۰ و ۳۳۵؛ کتاب الصوم، ص ۱۹۲؛ کتاب النکاح، ص ۲۲۹؛ کتاب الصلوة، ج ۱، ص ۸۷، ۱۶۱، ۱۶۸؛ کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۴۲۶؛ ج ۳، ص ۳۸۹؛ ج ۴، ص ۱۰۳ و ۲۷۳؛ یزدی، پیشین، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۸، ۴۹، ۵۵ و ۴۲۹ و... .
۱۵. علاوه بر موارد فوق ر. ک: نجفی، پیشین، مجمع الرسائل (محمشی صاحب جواهر)، ص ۲۷.
۱۶. در بحث اقل طهر بین حیض و نفاس، صاحب عروه می‌گوید مشهور گفته‌اند اقل طهر در حیض متقدم و نفاس باید ده روز باشد؛ ولی اقوی عدم اعتبار ده روز در حیض متقدم است، هرچند اعتبار ده روز در حیض متأخر از نفاس بعید نیست ولی أحوط در این جا هم مراعات احتیاط است. (یزدی، ج ۱، ص ۳۶۲ و ۵۱۹؛ ج ۲، ص ۱۵۸ و ۶۰۴).
۱۷. برای ملاحظه نمونه‌های بیش‌تر ر. ک: همان، ج ۳، ص ۳۰۰؛ ج ۵، ص ۱۶۵؛ ج ۱۱، ص ۳۸۶؛ ج ۱۳، ص ۲۳۰ و ۳۷۰؛ ج ۱۴، ص ۱۲ و ۲۵۴؛ ج ۱۹، ص ۳۵۶؛ ج ۲۱، ص ۱۲۶؛ انصاری، پیشین، کتاب الصلوة، ج ۱، ص ۸۷؛ یزدی، پیشین، ج ۱، ص ۶۳؛ ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۲۱۱، ۳۴۵، ۳۶۶، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۸۷، ۴۹۹، ۶۵۴، ۷۳۳؛ ج ۲، ص ۱۸، ۱۴۴، ۲۴۲، ۲۶۱، ۶۰۸ و ۸۲۳.
۱۸. در این کتاب احتیاط و مشتقات آن بیش از ۶۷۰۰ مرتبه تکرار شده است (با وجود فتوایی بودن آن).
۱۹. برای آگاهی از برخی از این موضوعات ر. ک: جناتی، ابراهیم: فقه و زمان، ص ۹۲-۹۵.
۲۰. استرآبادی: الفوائد المدنیة، ص ۳۱۲-۳۷۱؛ بحرانی: الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۴۴ و ۱۳۱، ج ۵، ص ۳۴۳؛ همو: شرح الرسالة الصلواتیة، ص ۸، همو: الأنوار الحیریة، ص ۱۳۰؛ مجلسی، محمد باقر: بحار الأنوار، ج ۱۰۶، ص ۹۳ و ج ۱۰۷، ص ۷۷؛ همو: ملاذ الأخیار، ج ۸، ص ۵۲۶؛ همو: مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۱۶؛ عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۵۴؛ همو: الفصول المهمة، ج ۱، ص ۵۱۹ و ۵۸۳؛ و همو: الفوائد الطوسیة، ص ۲۱۸، ۴۱۳، ۴۷۵.

منابع:

۱. ابن اثیر، مجدالدین جزری: النهاية فی غریب الحدیث والأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن فارس، احمد رازی: معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم: کفایة الأصول، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. _____: درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد، تهران، مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۵. اراکی، محمدعلی: أصول الفقه، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۶. استادی، رضا: برخی از مبانی احتیاطات در کتاب های فقهی، مجله کیهان اندیشه، ۱۳۷۰، ش ۳۷.
۷. استرآبادی، محمد امین: الفوائد المدنیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۶ ق.
۸. اصفهانی، محمدتقی: هدایة المسترشدين، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.
۹. اصفهانی، محمدحسین: الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، قم، دار إحياء العلوم الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. آملی، میرزا هاشم: الإجتهد و التقليد، مقرر ضیاءالدین نجفی، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. انصاری، شیخ مرتضی: المكاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. _____: فرائد الأصول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. _____: رسائل فقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. بجنوردی، حسن: القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. بحرانی، یوسف: الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۱۶. _____: شرح الرسالة الصلواتیة، بوشهر، ناشر محمد بن شیخ عبدالمجید، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. _____: الأنوار الحیریة و الأقمار البدریة الأحمدیة، بی جا، شبکه جهانی آل عصفور، بی تا.

۱۸. بهشتی، ابراهیم: اخباری گری، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. جناتی، محمد ابراهیم: ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران، کیهان، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد: الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. حائری یزدی، عبدالکریم: درالفوائد، قم، چاپخانه مهر، بی تا.
۲۲. حسینی، سید احمد: مقاله احتیاط یا راه سوم، مجله فقه، ۱۳۸۰، ش ۲۹ و ۳۰.
۲۳. حسینی شیرازی، سید صادق: بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی، قم، دار الأنصار، چاپ دوم، ۱۴۲۶ ق.
۲۴. حکیم، محمد سعید طباطبایی: المحکم فی أصول الفقه، قم، مؤسسه المنار، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. حلی، علامه حسن بن یوسف: إرشاد الأذهان، تحقیق فارس حسون، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. _____: تحریر الأحکام الشرعية علی مذهب الإمامیة، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۲۷. _____: تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. _____: قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. _____: مختلف الشیعه فی أحكام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. _____: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. حلی، محقق نجم الدین: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. _____: المعبر، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. خمینی، سید روح لله: توضیح المسائل محشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ق.
۳۴. خمینی، سید مصطفی: تحریرات فی الأصول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۳۵. خوئی، سید ابوالقاسم: التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، بی نا، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. _____: مصباح الأصول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

٣٧. سبحانی، جعفر: أدوار الفقه الإمامی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ١٤٢٤ ق.
٣٨. شاهرودی، سید محمود؛ و دیگران: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، چاپ اول، ١٤٢٦ ق.
٣٩. صدر، سید رضا: الإجتهد و التقليد، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.
٤٠. صدر، محمد باقر: المعالم الجديدة، قم، کنگره شهید صدر، چاپ دوم، ١٣٧٩ ش.
٤١. ———: بحوث فی علم الأصول، مقرر محمود حسینی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، چاپ سوم، ١٤١٧ ق.
٤٢. ———: مباحث الأصول، مقرر سید کاظم حائری، قم، ١٤٠٨ ق.
٤٣. صدوق، محمد بن علی بن بابویه: من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤١٣ ق.
٤٤. صیمری، مفلح بن حسن: غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.
٤٥. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن: تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.
٤٦. عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
٤٧. ———: الفصول المهمة فی أصول الأئمة، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
٤٨. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی: حاشیة الإرشاد، تحقیق رضا مختاری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ١٤١٤ ق.
٤٩. ———: رسائل الشهيد الثانی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ١٤٢١ ق.
٥٠. عاملی کرکی، محقق ثانی علی بن حسین: جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.
٥١. عاملی، شهید اول محمد بن مکی: ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ١٤١٩ ق.
٥٢. عراقی، ضیاء الدین: نهاية الأفكار، مقرر محمد تقی بروجردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ١٤١٧ ق.
٥٣. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف: ایضاح الفوائد فی شرح مشککات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ١٣٨٧ ق.

۵۴. قمی، سید حسن طباطبائی: کتاب الحج، قم، مطبعة باقری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۵. کاشف الغطاء شیخ جعفر: كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، اصفهان، انتشارات مهدوی، بی تا.
۵۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب: الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۵۷. مجاهد، سید محمد: مفاتیح الأصول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ۱۳۹۶ق.
۵۸. مجلسی، محمدباقر: بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۵۹. _____: ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۶۰. مشکینی، ابوالحسن: حواشی المشکینی علی الکفایة، قم، انتشارات لقمان، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۶۱. مطهری، مرتضی: مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر: أنوار الأصول، مقرر احمد قدسی، قم، مدرسة الإمام علی بن ابی طالب، چاپ دوم ۱۴۲۸ق.
۶۳. نائینی، محمدحسین: أجود التقريرات، مقرر ابوالقاسم خوئی، قم، مطبعة العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲ ش.
۶۴. نجفی، محمد حسن: جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۶۵. _____: مجمع الرسائل (محمشی صاحب جواهر)، ترجمه محمدباقر شیرازی، مشهد، مؤسسه صاحب الزمان(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۶۶. نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۶۷. نرم افزار جامع اصول فقه ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۶۸. وحید بهبهانی، محمدباقر: الرسائل الأصولیة، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۶۹. _____: الرسائل الفقهیة، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۷۰. یزدی، سید محمدکاظم طباطبائی: العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.